



حضرت  
آیه الله مشکینی

## اخلاق در اسلام

قسمت هشتم

# وقتی

(۲)

آنان باطل است، درحالی که اگر محراب امام از مأمومین پائین تر باشد و امام روی زمین و مأمومین در طبقه دوم یا سوم ساختمان (با حفظ شرایط اتصال) قرار داشته باشند اشکالی ندارد.

گفته شده است فلسفه این مسئله این است که خداوند متعال خواسته است با این شرط نکتته‌ای را به امام جماعت که پیشواست دوسه نفر یا صد نفر یا ... را در نماز برعهده گرفته است گوشه فرماید که باید خودت را پائین تر و کوچک تر از دیگران بشماری باید فروتن و متواضع باشی، و به همین جهت باید جای توازن مأمومین پائین تر باشد.

شد گود بصلای امام عالی تا آن که مقام خویش است تر داند هریک از احکام الهی واعظی است، و در عمق آنها پسندها و اندرزهای بزرگی نهفته است که ما باید از آنها در تصفیه و تکمیل روحمان استفاده کنیم.

پیغمبرگرامی (ص) که می فرماید: من مبعوث شده ام تا مکارم اخلاق و زیباترین صفات روحی را تکمیل کنم، تربیت و تکمیل بوسیله همین امور است. دستور می دهد در نماز اینطور باشید، در برخورد با مردم چنین باشید، چگونه مهمان نوازی کنید و ... اینها همه به این منظور است که بتدریج بوسیله همین کردارها انسان به عظمت روحی تواضع دست یابد و "بعثت لاتمم مکارم الاخلاق" تحقق یابد.

روایتی است از حضرت عیسی (ع)، و آیه‌ای راجع به حضرت نوح (ع) که نکته‌ای در مورد تکبر و تواضع از آنها استفاده می شود: حضرت عیسی علیه السلام در مقام موعظه و نصیحت به

در روایتی که از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است می فرماید: اگر می خواهی بفهمی که صفت تواضع در تو هست یا نیست، خود را با مسائل جزئی و کوچک امتحان نما، مثلاً وقتی در جلسهای وارد می شوی و تمایل داری در بالای مجلس بنشینی چنانچه در پائین مجلس بنشینی ناراحت می شوی یا نه؟ اگر چنین احساسی داشتی، بدان که از زیبایی صفت تواضع محروم و به مرض تکبر مبتلا هستی.

با آنکه در برخورد با افراد، مخصوصاً کسانی که بحسب ظاهر در سطحی پائین تر از تو قرار دارند، آیا دوست داری به تو سلام کنند و در برابر تو خضوع نمایند، یا علاقه داری خود در سلام کردن پیشی گیری که صورت اول از مرض تکبر حکایت می کند، و صورت دوم حاکی از تواضع است. و با اگر کسی تعریف تو را نمود خوش می آید و چنانچه عیب تو را برایت بیان کرد ناراحت می شوی، این حالت دلیل بر آن است که صفت تواضع در تو وجود ندارد، در صورتی که انسان متواضع نه فقط از تعریف خوشش نمی آید، بلکه ناراحت هم می شود، چرا که اکثر تعریفها برخلاف واقع است و کسی چه می داند که انسان بین خود و خدا چه کاره است، و چه بسا در حقیقت کمالی را که تعریف کننده به انسان نسبت می دهد در او وجود ندارد، و کسی که متواضع است نه آنکه این اشتباه را خوش ندارد، بلکه ناراحت می شود.

\*\*\*\*\*

می دانیم که در نماز جماعت باید جای مأمومین از امام پائین تر نباشد، و چنانچه جای مأمومین از امام پائین تر باشد، نماز



حواریون و مو' منان و دعوت آنان به زهد می فرماید:  
"يَحَقُّ اَقْوَلُ لَكُمْ اِنَّ الْمَرْزَقَ لَا يَنْبَتُ فِي الصَّلْدِ"

به راستی می گویم که دانه بر روی زمین سخت نمی روید .  
سپس اضافه می کند: که حکمت و علم و مواعظ خدا و انبیا' در  
قلبی که دچار کبر و خودبزرگ بینی است تأثیر نمی گذارد و رشد  
نمی کند ، بلکه در قلب کسانی که دارای صفت تواضع هستند  
تأثیر می کند ، همچنان که دانه در زمینی که پائین است می تواند  
رشد کند ، و گویا در عالم تکوین هم رشد و نمو در فروتنی است ، و  
حتی اگر زمین دارای تواضع نباشد ، گرچه دارای شعور نیست ،  
مطلوب نیست و نفعی در آن یافت نمی شود .

در قضیه حضرت نوح علیه السلام هم در قرآن می فرماید :

"وَاسْتَوَتْ عَلَيَّ الْجُودَىٰ"

- آنگاه که طوفان رفته رفته پایان یافت و آب تدریجا کم  
شد و کشتی حضرت نوح (ع) بناشد . در جایی مستقر شود  
در روایت آمده است که کوههای مرتفع و سربه فلک کشیده با  
خود گفتند که کشتی نوح (ع) بر ما فرود خواهد آمد ، ولی در این  
میان کوه تپه مانندی که کوچک ترین کوه آن منطقه بود بنام کوه  
"جودی" با خود گفت : من در برابر این کوههای بزرگ چیستی  
نیستم که انتظار داشته باشم کشتی نجات بخش نوح (ع) را در  
خود بپذیرم ، ولی در پی آن ، دستور داده شد که کشتی نوح (ع)  
بر این کوه مستقر شود .

از این قضیه نیز استفاده می شود که گویا حتی در عالم تکوین  
چیزهایی که دارای فکر و شعور نیستند با تکبر از نعمت الهی محروم  
می شوند ، و در اثر فروتنی مورد مرحمت خداوند متعال قرار  
می گیرند . بنابراین کاملا روشن می شود انسان که از اختیار و  
شعور برخوردار است اگر قلبش دارای صفت تواضع شود ، چنین  
قلبی مورد رحمت خداوندی و انوار الهی می شود .

\*\*\*\*\*

بانگاهی بر تاریخ زندگی بزرگانی که خداوند مقامی والا به  
آنها داده است ، این نکته را درمی یابیم که هرچه مقام آنها  
بالا تر بوده است بهمان نسبت تواضع شان در برابر خداوند و  
بندگان خدا بیشتر بوده است ، و هیچگاه از میان انبیا' و ائمه  
علیهم السلام و علمای بزرگ اسلام شنیده نشده است که در یکی  
از آنان اثری از تکبر و خودخواهی و خودبزرگ بینی ظاهر شده  
باشد ، و این موضوع نشان می دهد که عظمت روح انسان در تواضع  
اوست ، و نه آنکه تواضع نشانه کوچکی نیست ، بلکه علامت بزرگی  
انسان بشمار می رود .

\*\*\*\*\*

من به همه' دوستان توصیه می کنم اگر می خواهند در پیشگاه  
پروردگار متعال بزرگ باشند ، در برابر فرمان خداوند تسلیم  
باشند و خودشان را در برابر همکیشان و برادران دینی از هر  
قشری باشند کوچک ببینند ، و اگر شیطان و وسوسه ای در انسان  
ایجاد کند که مثلا من که این همه کمال دارم ، علم دارم ، مقام  
دارم ، خدمتهای ارزنده دارم ، و آن دیگر هیچیک از اینها را  
ندارد ، بنابراین من بالاتر از او هستم ، باید فوراً این وسوسه  
را از خود دفع کند ، چرا که اگر هم همه' اینها درست باشد ، از کجا  
که در پیشگاه خداوند قبول شده باشد ، از کجا که کارهای انجام  
شده خالص و بدون ریا بوده است ، از کجا که در پیش خدا  
محبوب قرار گرفته ، آیا باز هم موفق خواهد شد ، آیا بهیمن  
حال از دنیایم رود . هراسان عاقلی احتمال می دهد که شاید  
اصلا کارهایش مورد قبول خداوندی قرار نگرفته باشد ، و اگر هم  
گذشته اش خوب بوده ، آینده' انسان معلوم نیست ، بسا شده  
است که انسانهایی بی ایمان از دنیا رفته اند ، من از کجایی توانم  
بدانم که با ایمان کامل از دنیایم روم . بنابراین هیچکس نمی تواند  
قضاوت کند که من از دیگری بهتر هستم ، شاید او عاقبت خوبی  
داشته باشد ، و من سرانجام خوبی نداشته باشم .

گویا روایت شده است که متکبر و خودبزرگ بین احمق است .  
عجب و تکبر از کمی عقل و شعور حکایت می کند . انسان عاقل  
چگونه به عمل خویش عجب پیدا می کند و آن را زیبا و خود را  
بزرگ می بیند ، در صورتی که نمی داند آیا اعمال او نزد خداوند  
قبول است یا نه . بنابراین تکبر با این حال سفاقت است و  
تواضع در پیشگاه خدا و بندگانش حاکی از عقل و کمال انسان  
است ، مگر در مواردی که خداوند فرموده است .

صلواتی که در برابر امر خداوند تسلیم است ، و خداوند نعمت  
ایمان را بر او ارزانی داشته است و بهیمن جهت او را از کافر  
برتر داشته است باید خود را نسبت به کافر بهتر و برتر بداند ،  
ولی نسبت به مو' منین نباید چنین باشد .

خداوند انشاء الله به همه' ما توفیق دهد که بیشتر در خودمان  
بنگریم و با توجه بیشتر در ویژگیهای روحیمان دقت کنیم ، و  
امراض قلبی مان را بشناسیم و بکشیم تا همه' امراض و پلیدیهای  
قلبی را با روشهای اسلامی که برای ما بیان شده برداشتم ، و همه'  
زیبائی های اخلاقی و ابعانی که هدف خلقت خداوند است بدست  
بیاوریم و خویش را به آن زیبائی ها آرایش داده و به کمال  
انسانی برسیم . انسانی که شایسته' پیشگاه خداوندی و خلیفه'  
الهی است و در ردیف دوستان خدا و انبیا' و شهدا و صالحین  
به سعادت دست یابیم .

ادامه دارد